حقوق تجارت

تعریف شرکت

شرکت مدنی

\* عام:عقدی است که در ان طرفین سرمایه یا کار خود را برای رسیدن سودی خاص جمع میکنند =>علاوه عقد شرکت ،مضاربه،مزارعه،مساقات در بر میگیرد (مواد 571 ق م به بعد)

\*خاص:یکی از عقود معینی است که همراه با اشاعه در حق مالکیت ایجاد می شود .(در حقوق مدنی )

م 571 ق م=>شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه=>ممکن است احتیاری باشه یا قهری (572)=> حالتی است چند نفر به طور مشاع مالک مال واحدی هستند

قهری:بر توافق شرکا استوار نیست =>امتزاج یا ارث (574)

در نتیجه عقد از عقود

اختیاری :حاصل اراده طرفین است 573)

در نتیجه عمل شرکا مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعا

\*م 573 => شرکت اختیاری ممکن است در نتیجه عقدی از عقود ایجاد شود =>مالک نیمی از مال خود را بفروشد ، صلح کند ، هبه =>در اینگونه مثال ها سبب ماللکیت مشرتک عقدی عنوان صلح یا هبه یا ... دارد نه عنوان شرکت

\*عقیده غالب => اجتماع مالکین متعدد در شی واحد می تواند که به موجب عقدی صورت گیرد که عقد شرکت نامیده می شود =>عقدی است که به موجب ان دو یا چند شخص ، به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه مقصود دیگر حقوق خود را در میان می گذارند تا به جای ان مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند =>اشاعه ساده جدا می شود و شرکا هدف خاص دارند

تفاوت های شرکت مدنی و تجاری

شرکت در مفهوم تجاری هدف انها چیزی جز بردن سود و تقسیم ان نیست =>تشکیلات که برای هدف های اخلاقی ، اجتماعی ، و.... تاسیس مس شود انجمن نام دارد و شرکت تجازی نیست

در شرکت مدنی ارتباط شخصیتی شرکا با مال مشاع محو نمی شود ، =>در شرکت تجاری شخصیت جمعی شرکا (شخصیت حقوقی ) مالک مال می گردد =>مدنی :سود . زیان خودشان بر می گردد => حال انگه شرکت تجاری مال مشاع متعلق شرکت است .

شرکت تجاری

شرکت تجارتی قرارداری است که به موجب ان دو یا چند نفر توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع اورده های انها تشکیل می شود ایجاد کند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیانهای احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم شوند .

خصایص شرکت تجاری

عناصر تشکیل دهنده شرکت

الف)همکاری دو یا چند نفر =>شرکت باید لاقل دارای دو عضو باشد =>هر یک چسزس به شرکت بیاورد که روی هم سرمایه را تشکیل دهند

تعدد شرکا :

چه در حقوق مدنی چه در تجارت => لاقل دو نفر در ایجاد ان سهیم باشند =>شرکت تک شریکی وجود ندارد .

\*در شرکت سهامی خاص لاقل باید همکاری سه نفر تشکیل شود ، =>سهامی عام لااقل 5 نفر => هیچ یک از شرکت ها حداکثر تعداد خاص محدود نیست .

اوردن سرمایه (حصه):

هر یک از شرکا حصه ای می اوردند که به اورده تعبیر می شود =>با جمع اورده دیگر شرکا سرمایه شرکت تشکیل می شود

\*در قانون مدنی :اورده شرکت نمی تواند چیزی جز حق مالکیت باشد =>نمی توانند با جمع خدمت و اعتیار خودشون تشکیل شرکت دهند =>مگر اوردن این خدمت یا اعتبار منجر مالکیت مشاع اورنده بر مالی شود

\*در تجارت:برخلاف قانون مدنی اورده می توند صوری گوناگون داشته باشد =>26 ق ت سابق=>سهام غیر نقدی سهام است که به ازای ان به جای وجه نقد چیزی از قبیل کارخانه و اعبتار نامه و ... داده می شود.

\*م6 لایحه ق 1347 =>شرکت سهامی تامین قسمتی از سرمایه شرکت با اورده های غیر نقدی اجازه داده شده است

اورده نقدی

انواع اورده ها

اورده غیر نقدی

اورده نقدی :شریک متعهد به اوردن وجه نقد باید در موعد مقرر به تعهد خود عمل کند و الا مانند کسی است که دین خود را نپرداخته است =>پرداخت اصل و فروع دین خود محکوم می شود

\*تعهد پرداخت اورده نقدی صور متفاوت دارد =>سهامی و مختلط سهامی :پرداخت کل اورده حین تشکیل شرکت لازم نیست =>بر خلاف سایر شرکت ها =>زیرا سرمایه شرکت تضمین پرداخت طلب طلبکاران است و نمی تواندد اورده های غیر نقدی امیداور باشند

\*سهامی عام=>موسسان باید لااقل 20 درصد سرمایه شرکت تعهد کنند ، 35 درصد مبلغ تعهد شده را نقدا بپردازند

\*سهامی خاص =>مبلغ نقدی نباید زیر 35 درصد کل سهام باشد

مال مادی

اورده غیر نقدی مال غیر مادی

صنعت ، فعالیت ، کار هنر

مال مادی : مال که می توان ان را لمس کرد =>مال منقول =>مال غیر منقول

انچه شرکت اورده می شود =>مالکیت:شریکی خانه خودش را به شریک دیگر منتقل می کند (مال مالکیت شرکت منتقل می شود ،هنگام انحلال شرکت شریک حق خاص ندارد،در صورت تلف مال شرکت بوده و زیان به همه وارد است )=> یا منفعت مال (شریکی خانه خود را در احتیار شرکت می گذارد و اجرت مثل به عنوان اورده است ) پس از انحلال مال خود را پش گرفته و در صورت تلف شدن زیان مورد توجه اوست

قیمت صاحب مال بیش از قیمت واقعی است و نفع شرکا در تقویم است

مال مادی باید تقویم شود

تقویم مال، تعیین سهم چنین شریکی را در سود و زیان ممکن می سازد

\*تقویم اموال مادی در شرکت های موسئولیت شرکا محدود است اهمیت دارد =>اما در شرکت های تضامنی موئوبیت شرکا تضامنی است اهمین ندارد

\*سایر شرایط حاکم بر انتقال مال متدی تابع ماهیت ان است =>مالکیت(سند) =>منفعت (قبض و اقباض)

مال غیر عادی =>خارج وجود مادی ندارد =>عرف و قانون وجود ان را شناخته است.(حق اختراع،حق تالیف، و ...هر نوع حق مالی ، حق ارتفاق،انتفاع،و طلب

\*اموال غیر مادی هم باید مانند مال مادی تقویم شوند =>قدری مشکل است

اموال غیر مادی با انتقال به شرکت به طور قطعی متلق حق شرکت قرار میگیرند و هرگاه مال غیر مادی از میان رود مال شرکت از بین رفته و شریک که مال را اورده است از شرکت خارج نمی شود .=>سهم ان فرد از زمان انتقال مال غیر مادی به طور قطعی در شرکت برقرار می گردد

نکته:در رابطه با حق انتفاع ، اگر حق مزبور به سبب از بین رفتن مال موضوع حق انتفاع باشد و از بین رود شریک از شرکت خارج نمی شود =>اگر پس از انحلال شرکت مال موصوع حق اتفاع باقی باشد به مالک او تعلق دارد و از انجا که حق انتفاع ، منافع در مالک ملک عین حاصل می شود شریکی که انتفاع را اورده وا گذار می شود

صنعت:

شریک تعهد می گند به عنوان اورده صنعت، یعنی دانش ، فعالیت و ... شرکت بیاورد =>این صنعت باید به عنوان اورده باشد نه به عنوان کاری که کارگز در ازای ان مزد میگیرد =>فعالیت شریک فعالیت خودش اورده مزد تعلق نمی گیرد =>انچه تعلق می گیرد سهم از منافع شرکت است

در مورد همه شرکت های تجاری قسمتی از اورده می تواند از صنعین باشد => شرط مشروعیت

نقش براورده ها در تشکیل سرمایه

سرمایه شرکت =>مفهوم حسابداری=>مبلغی که شرکا توافق می کنند به شرکت انتقال دهند.=>در ترازنامه=>زیر دارایی اولیه درج می شود،هم زیر بدهی اولیه =>سرمایه شرکت متعلق به شرکا در صورت انحلال اگر وجود داشته باشد باید مسترد شود.

تفاوت انتقال مال در بیع و شرکت

بیع=>مالکیت به طور قطعی منتقل می گردد=>در حالی که در شرکت اورنده ماب شرکت می دهد مشروط به اعاده است (پس از انحلال سرمایه باقی باشد اعاده خواهد شد )

صنعت شرکا را نمی توان در تشکیل سرمایه شرکت دخیل دانست.=>چون سرمایه تضمین طلب طلبکاران است =>شرکا جز در بردن سود حق ندارند دارایی تقسیم کنند =>سرمایه ای که در ترازنامه ذکر می شود تنها سرمایه ای است یا پول یا مال مادی یا غیر مادی =>صنعت شریک قابل توقیف و مزایده نیست

شریکی که اورده اش کارش است =>کارش تقویم می شود =>این تقویم در ترازنامه شرکت نمیاد=>تقویم فقط برای تعیین احتساب منفعت و زیان است

تقویم اورده ها =>مطابق اراده شرکا است =>برای جلوگیری از سو استفاده اقدامات پیش بینی شده است

م 98 ق ت =>شرکت با مسئولیت محدود =>شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی‌دارند

بند ب م 155 ق ت =>اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند  
ب) کسانی که به وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند

تفاوت شرکت تجاری با مالکیت مشاع

صرف اوردن حصه در شرکت هی تجاری به مالکیت مشاع نمی پردازد

1.شرکت تجاری فقط با هدف اقتصادی ایجاد می شود =>این در مالکیت مشاع صدق نمی کند ،مالکیت مشاع ارادی نباشد،ارث بردن

2.اشاعه امر پایدار نیست =>هر شریک یا تقاضا افراز سهم خود یا انتقال سهم اشاعه پایان دهد =>شرمت تجاری هیچ یک از شرکا بدون جلی رضایت دیگر شرکا نمی تواند به دیگری انتقال دهد =>تقاضای انحلال و تقسیم سرمایه در موارد خاص گاهی مراجعه دادگاه

3.در اشاعه انجام عمل مادی و حقوقی اتفاق نظر کلیه شرکا ضروری است =>شرکت تجاری ، شخصیت حقوقی است ،تصمیمات عمدتا با اکثریت ارا است

ماهیت حقوقی شرکت

1.نظریه قراردادی =>شرکت چیزی جز یک قرار داد نیست =>این خصلت در شرکت تجاری هم وجود دارد =>قرار داد شرکت روابط میان شرکا را تنظیم می کند =>قرار داد شرکت در اغلب موارد از قانون تجارت ارجح است =>از طرفی قرار داد شرکت وضعیت جدید حقوقی ایجاد می کند نسبت اشخاص ثالث دارای اثر است و قابل نادیده گرفتن نیست => پاره از قواعد و مقررات روابط شرکا بر گرفته از همین نظریه است =>م 119 ق ت =>تقسیم سود به هر نحوی که شرکا بکنند صورت می گیرد و تقسیم منافه به نسبت سهم الشرکه زمان است که توافق نکرده باشند =>م 133 ق ت شرکت نمی توند هیچ یک از شرکا را تکمیل سرمایه به علت ضرر ها کم شده است مجبور کند بیش از انچه تعهد کرده است بپردازد

نقد:قانونگذار مقررات امره ای را وضع کرده تخطی از ان شرکت را بی اعتبار می کند =>شرمت تضامنی وقتی تشکیل می شود که شرکت تمام شرمایه نقدی را تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی را تقویم و تسلیم کنند

2.نظریه سازمانی=>شکت یک تاسیس حقوقی است =>بر خلاف قرارداد حقوق و تعهدات طرفین را برای رسیدن هدف که بردن سود است به طور پایدار تثبیت نمی کند =>حقوق شرکا دیگر در توافق اولیه به طور قطعی معین نمی شود در طول حیات شرکت قابل تغییر است

جستجو سود و تقسیم سود

\*جستجو سود همیشه سود نمی انجامد و ممکن است شرکا متضرر شوند

سود=>چیزی است که در نتیجه تقسیم ان در مواقع معینی که ممکن است سال به سال باشد مبلغی به سرمایه شریک اضافه گردد .=>سود ، نیاز نیست حتما پول باشد هر چیزی است که ثروت شرکا بیفزاید ،سود فقط چیزی نیست که ثروت شریک می افزاید ،هر گونه صرفه جویی ممکن است سود حساب اید

\*مسلم است که سود باید جنبه مادی داشته باشد و شرکت نمی تواند برای تحصیل سود معنوی تشکیل شود .

در حقوق ایران =>انچه که ملاک تفکیک شرکت تجاری و غیر تجارتی است =>موضوع تشکیلات مزبور است =>فعالیت که ان تشکیلات برای به وجود امدنش امده (جنبه علمی ، فرهنگی و ...) غیر تجارتی است، حتی اگر فعالیتش برای بردن سود مادی و تقسیم میان اعضا باشد =>بر عکس اگر علمی و فرهنگی و... شرکت تجارتی است مشروط بر اینکه هدف ان بردن سود و تقسیم ان میان اعضای گروه باشد

طرز تقسیم سود

اصل شرکت شکا در سود و زیان =>م 575 ق م =>هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می باشند =>البته در صورتی است که شرکا در قرار داد شرکت خلاف ان را شرط نکرده باشند

اگر در قرار داد معین نشده باشد:

\*شرکا نمی توانند شرط کنند سود فقط به یک یا چند نفر از انها تعلق گیرد =>م 575 شرکت شرکا در نفع و ضرر بیان شده است .=>شرکا نمی توانند به طور مطلق از بردن سود محروم یا تحمل زیان معاف دانست

\*ایا می توان یک یا چند نفر را بلاعوض از منافع بیش تر برخوردار کرد یا ضرر کم تری بکنند ؟

اتفاق نظر وجود دارد=>بعضی بطلان شرط و عقد شرکت دانسته اند

عده ای شرط باطل دانسته اند

در حقوق تجارت =>اصل بر این است که شرکا نسبت سهم خودشون سود زیان شریک هستند م 108 ق ت یا در موارد سکوت ق ت همان ق 575 م مورد اجرا است

در نتیجه =>طرفین عقد شرکت می توانند در خلاف ترتیب را در قرارداد پیش پیش بینی کنند => شریکی که ممتاز تلقی می شود ملزم انجام هیچ عمل نیست =>م 108 روابط بین شرکا با مسئولیت محدود : روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است، اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه‌ شرکاء به عمل خواهد آمد => م 42 لایحه ق 1347 : هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و هم چنین تا موقعی که شرکت  
منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی‌فوق‌العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد

در چنین مواقع نه شرط باطل است نه شرکت

شخصیت حقوقی شرکت تجاری

قانون تجارت برای شرکت های تجاری شخصیت حقوقی قائل شده است م 583 ق ت =>به است معنا است که شرکت صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرا ان را دارد =>شخصیت حقوقی ویژگی مشرک تمام شرکت های تجاری است =>حتی شرکت هایی که ثبت نرسیده اند بلکه در عمل موجودند م 220ق ت

اعطا شخصیت حقوقی

شناخت شخصیت حقوقی برای شرکت های تجاری امری است در همه سیستم ها تجاری مورد تایید است و تردیدی در ان نیست

شرکت های تجاری دارای شخصیت حقوقی

م 583 ق ت =>صراحتا کلیه شرکت های مندرج در قانون تجارت م 20 را دارای شخصیت حقوقی منحصر دانسته است =>مشروط بر اینکه مطابق این قانون تشکیل شده باشند

المان شرکت غیر سهامی و تضامنی شخصیت حقوقی ندارد

در فرانسه تمام به جز یک شرگت و.....

علاوه بر ان در ماده 22 ق ا د دادگاه های عمومی =>مواد گنجانده شده است به وضوح برای شناسایی شخصیت حقوقی اشاره دارد =>م 22 =>دعاوی راجه ورشسکتی رکت های بازرگانی که مرکز اصلی ان ها در ایران است در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود =>متضمن این است که دعوا علیه شرکت باید علیه شرکت اقامه شود و این جز با شخصیت حقوقی شرکت ممکن نیست

شرکت های کئنی شخصیت حقوقی مستقل ندارد =>قابل نقد است زیرا شرکت های مدنی فعالیت اقتصادی دارند شخصیت حقوقی برای شخص ثالث اسودگی خاطر ایجاد می کند

مبنا حقوقی شخصیت حقوقی شرکت

نظریه واقعی بودن

نظریات راجع شخصیت اشخاص حقوقی نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی

نظریه دارایی اختصاصی

نظریه واقعی بودن=>المان و فرانسه=>هر گروهی که واجد اراده مستقل بوده است بتواند فعالیت جدا انجام دهد شخصیت جدا از فرد فرد گروه دارد =>جنبه واقعی دارد و مولود اراده قانون گذار نیست

صرف ایجاد و گستنن تشکیل و از بین می رود =>عیب نظریه:ارده جمعی در واقع حاصل اراده هر یک از افراد است و از اراده انها منفک نیست

نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی =>فقط اشخاص حقوقی دارای شخصیت حقوقی هستند و سایر موجودات نمی توانند صاحب حق باشند مگر با ارده قانونگذار .

قانونگذار شخصیت حقوقی گروه ها را نمی شناسد بلکه فرض می کند =>شخصیت حقوقی گروه وجود خارجی ندارد بلکه قانونگذار برای تسهیل روابط گروه با اشخاص ثالث ان را موجود تلقی می کند

و قانونگذار است که شخصیت حقوقی را اعطا می کند

نظریه دارایی اختصاصی=>شخصیت حقوقی محدود به تصرف و تملک یک دارایی جمعی است که به هدف خاص گروه اختصتص داده می شود ار انجا که اعضا گروه حق انفرادی تصرف را ندارند با اعطا شخصیت حقوقی به این دارایی تصرف گروهی در ان میسر می شود =<معامله اشخاص ثالث محقق می شود

ماهیت شخصیت حقوقی شرکت تجاری

در حقوق ایران به تبع فرانسه =>شخصیت شرکت اقتباسی است از شخصیت حقیقی :دارای نام اقامتگاه تابعیت اهلیت و ... دارد =>ایا شخصیت واقعی است یا فرضی ؟

حقوق ایران =>گروه شخصیت واقعی ندارد بلکه ان قانونگذار که برای گروه شخصیت حقوقی قائل می شود =>اصب بر عدم شخصیت حقوقی است مگر قانونگذار چنین کرده باشد

شخصیت حقوقی و حقیقی در دو جنبه تفاوت دارند=>1.شخصیت حقوقی فاقد روح و وجدان و احساسات است ، دوم اینکه بر خلاف شخصیت حقیقی شرکت شخصیت حقوقی کامل ندارد بلکه نسبت موضوعی در حقوق خاص حق و تکلیف دارد

شخصیت حقوقی شرکت =>می تواند با ضرورویات عملی منطبق شود =>گاه ثابت و گاه تغییر ناپذیر است =>تغییر موضوع شرکت اثر در شخصیت حقوقی شرکت ندارد =>تغییر در شرکا شخصیت شرکت تغییر نمی دهد =>شخصیت شرکت حتی بعد از انحلال تا زمان تصفیه باقی است

آغاز شخصیت حقوقی شرکت =>اهمیت:نقطه اغاز تعهدات را معین می کند =>قبل از نقطه ازاد نمی توان تعهدات شرکا بر عهده گرفتند بر عهده شرکت گذاشت

کشور های اروپایی شخصیت حقوقی از زمان ثبت شرکت است

ایران راه حل دقیق وجود ندارد برر عکس برای تشکیلات غیر تجارتی تاریخ دقیق ایجاد خصیت حقوقی معین کرده است تاریخ ثبت در دفتر مخصوص وزارت دادگستری است

شرکت از تاریخی دارای شخصیت حقوقی است که ایجاد و تشکیل شده باشد:

شرکا مسئولیت محدود ، تضامنی ونسبی وقتی تشکیل می شوند =>تمام سرمایه نقدی انها تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد

سهامی =>پش از تشکیل مجمع عمومی موسس و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و پرداخت مبالغ لازم و تصویب اساسنامه انتخاب اولین مدیران و بازرسان و.. تشکیل می شود

سهامی خاص=>پس از امصای اساسنامه توسط کلیه سهامداران پرداخت قسمت نقدی سرمایه نباید کم تر از 35 درصد مبلغ رسمی سهام باشد انتخاب اولین مدیران و بازرسان توسط کلیه سهامداران قبول سمت مدیریت و بازرسی توسط مدیران و بازرسان

شرکت مختلط سهامی=>مقررات مندرج در ماده 176 ق ت رعایت شده باشد مواد 28 38 39 ق ت 1311 :

1.تمام سرمایه از طرف شرکا تعهد شده و لااقل یک سوم ان پرداخته باشد

2.سهم الشرکه شرکا سهیم به سهام یا قطعات سهام منردج در ماده 28 تبدیل شده باشد

تشکیل شرکت تعاونی =>تابع مقررات حاکم بر تشکیل شرکتی است که قالب شرکت تعاونی را تشکیل می دهد برای مقال اگر شرگت تعاونی قالب شرکت سهامی را انتخاب کرده باشد زمان تشکیل تابع ان شرکت خواهد بود

مختلط غیر سهامی=>قانونگذار زمان تشکیل وضع نکرده است =>می توان از قاعده وحدت ملاک استفاده کرد =>در واقع قانونگذار مقرر داشته شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی وقتی تشکیل می شوند تمام سرمایه نقدی پرداخت سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد

با توجه به اینکه امیخته ای از شرکت تضامنی و مسئولیت محدود است اجرا قوانین این دو شرکت درباره شرکت مختلط غیر سهامی منطقی است

همانگونه که در شرکت مختلط سهامی =>تابع شرکت سهامی هستند

تبدیل شرکت تجاری

منظور از تبدیل =>بدون محو شخصیت حقوقی قبلی شرکت و ایجاد شخصیت حقوقی جدیدی برای ان ،شرکت شکل و قالب نو پیدا کند =>مثال:شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی به شرکت سهامی عام تبدیل شود

فیایده بقا شخصیت حقوقی

اگر به این معتقد باشیم شرکت بدون ایجاد شخصیت جدید تبدیل شود متضمن امتیاز هایی برای شرکای شرکت یا دولت باشد .

اگر دولیت برای تشکیل شرکت جدید ، معاف یکسالی مالیات وضع کند فقط شرکت های جدید و شرکت های که قبلا منحل شدند می توانند بهره ببرند نه انهایی مه تبدیل شدند

پرداخت حق ثبت شرکت ها هم فقط به شرکت هایی تعلق میگیرد که تازگی تاسیس شده باشند تبدیل بشوند حق ثبت معاف هستند

جواز تبدیل شرکت

در حقوق ایران قاعده کلی در این باره وجود ندارد و قانونگذار تبدیل شرکتی به شرکت دیگر را در مواردی به صراحت پیش بینی کرده است ، سهامی خاص به عام ،شرکت نسبی سهامی و...

به طور مسلم بدون رضایت تمام شرکا نمی توان شرکتی را به شرکت دیگر تبدیل کرد ،

در همه موارد در قانون تبدیل شرکت ،در موارد تبدیل تعداد شرکا یا تغییر نمی کند (سهامی خاص به عام) یا کم تر می شود (تضامنی به سهامی)

شرایط تبدیل شرکت

در تبدیل شرکت =>رعایت مقررات ایجاد شرکتی که قالب و شکل جدید شرکت قبلی را تشکیل می دهد ضروری است

\*تبدیل شرکت نمی تواند به حقوق اشخاص ثالث که قبل از تبدیل ایجاد شده لطمه بزند =>طلبکاران شرکت تضامنی که به مسئولیت محدود تبدیل شده است می توانند تبدیل شرکت نادیده بگیرند و برای طلب به شرکت مراجعه کنند

ادغام و تجزیه شرکت ها

ادغام دویا چند شرکت وقتی حاصل می شود که یا شرکتی شرکت دیگر را امحا و در خود حل کند یا دو یا چند شرکت در هم حل شده و شرکت جدیدی از انها به وجود اید

تجزیه،حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت که قبلا موجود یا جدید الاتاسیس است

\*دارایی شرکت های که در نتیجه ادغام یا تجزیه از بین می روند به شرکت جدید انتقال می یابند

\*در ادغام یا تجزیه => رضایت کلیه شرکایی که قصد ادغام و تجزیه را دارند ضروری است

پایان شخصیت حقوقی

\*تفات اساسی شرکت تجاری با انسان => شخصیت حقوقی شرکت تا پایان یافتن امر تصفیه باقی است ، شرکت پس از انحلال شخصیت خودش از دست نمی دهد =>تا زمان تصفیه =>زیرا بر خلاف انسان دارایی موجود شرکت پس از انحلال شخص دیگری منتقل نمی شود بلکه میان شرکا تقسیم می شود

\*اگر برای اجرا تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم باشد ،متصدیان تصفیه ان را انجام خواهند داد

بقای شخصیت حقوقی تا زمان تصفیه =>1.مدیران تصفیه می توانند با نام شرکت علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند ، اشخاص ثالث هم می توانند علیه شرکت در حال تصفیه شکایت کنند =>دارایی شرکت از دارای شرکا مشتقل است و اگر دارایی شرکت طلب طلبگاران را نداد به دلیل موجود بودن شخصیت حقوقی شرکت می توانند اعلام ورشکستگی بکنند .